

ENCYCLOPÉDIE SOCIALE ABBASSI
VOLUME XXVI

ALEFBÂYE JADIDE PÂRSI
Alphabet Persan

الفبای فارسی آکافی

2004

مقدمه

پراکندگی ایرانیان بیرون از کشور موجب نیازی جدی به آفرینش چاره ای برای ایجاد ارتباط از راه اینترنت گردیده است. بگویم که چند دهه پیش در ایران به چشم هم چشمی از ترکیه و نیاز فرهنگی گروهی از ادیبان و روشنفکران، به ویژه شادروان علامه سعید نفیسی و علی نقی وزیری، و گروهی دیگر، در راه جنبش فرهنگی و هنری، و ایجاد هنرستان موسیقی، از جمله، به اندیشه پالاییدن و بهتر ساختن الفبای فارسی افتادند ولی این برنامه ملی به شوند گوناگون تحقق نیافت. ما در این کتاب الفبای جدیدی را پیشنهاد میکنیم که میتواند در رشته های گوناگون زندگی علمی، فنی و هنری بکار گرفته شود.

در این راه تا آنجا که برای ما شدنی بوده، کوشیده ایم برای هر کدام از نشانه های الفبای امروزی، نشانه ای در میان نشانه های زمین سراسری، برگزیده شود. بدیهی است هر گونه نوآوری در هر زمینه و رشته، در همه ی کنش ها و در همه گروه های انسانی، همیشه با دشواری های گوناگون روبرو بوده است و خواهد بود. از نظر فن کار الفبایی، یکرشته دشواریها در برابر داشتیم که گشایش آنها نه تنها دشوار، شاید غالباً ناشدنی مینودند.

ساده ترین سختی کار، که میبایست گشوده میشد، گزینش تخته کلید حروف (keyboard) بود که شرایط اقتصادی و سیاسی امروز هر کدام در این تصمیم اثری میداشتند و دارند. چون فنون دنیای انفورماتیک به وسیله آمریکا گسترش یافته، خواه نا خواه، صفحه کلید آمریکایی رواج عام دارد. بدین جهت است که متخصصین ایرانی که نرم افزارهای فارسی را ساخته اند، پایه کارشان، به حق کلیدهای آمریکایی است.

هرکدام از زبان ها ی اروپایی، برای حروفی که همانند در آمریکایی نیست، برای خود کلیدها یی دارند، مثلاً در زبان فرانسه چندین حرف روی صفحه کلید می توان دید که در صفحه کلید انگیزی نیست. البته در پنجره علایم ویژه، میتوان حروف مورد نیاز را یافت ولی هوده گیری از این چاره با انجام دو یا سه افزا کنش، شدنی است، که آن هم زمان کار را دراز میکند، بدینسان ما ناچار شدیم حروفی پیوندی بسازیم، حروفی که مستقیماً روی کیبرد یا تخته کلید جلوی چشم ما باشد. مثلاً " برای [س] حرف [s] و برای حرف [ص] علامت ترکیبی [sd] را برگزیدیم، که درد سر ما را حل مینماید و به همین گونه شمار نشانه ها یی که در زبان فارسی وجود دارد، به دست می آید و پنج یا شش حرف آن از دو حرف تشکیل شده است و این خود پدیده ای است ناگوار برای فارسی زبانان، که مولود کیبرد آمریکایی است، همانطوریکه امروزه اکثر اشکالات حیاتی جامعه بشری از همین سرزمین سرچشمه می گیرد و با اقتصاد جهانی و سیاست فعلی حاکم ارتباط دارد. ما ترجیح میدادیم که با صفحه کلید فرانسه سروکار داشته باشیم ولی لا اقل در اینجا متأسفانه میتوان گفت که :

" کلام الملوک ، ملوک الکلام "

تذکر: برای راستجویی بیشتر، و ارزیابی بهتر از کار خود، کوشیدیم همراه پیشنهاد برخی مهربانان با زبان فارسی و ایران دوستانی همانند نیک اندیش فرهیخته خانم لی لی کامکار پارسی، برای همسنگ های گزیده شده نمونه های دیگری هم بکار بریم تا در آینده پس از پذیرایی و هم اندیشی بتوانیم به امید پیروزی برنامه به رویا روی بکار بری نشانه ها ی بهتر گردن نهیم.

معرفی الفبای جدید پیشنهادی

خواسته این نوشتار جستجویی است، دست افزار آفرین برای نگارش زبان پارسی.

کار الفبا در همه زبان ها کمکی سودآور در راه خواندن نوشتارها و نیز نگارش گفتنی ها است.

باید دانست که نمیتوان الفبائی ساخت که بتواند صد در صد نیاز ما را در پیوند زبانی میان انسانها پاسخگو باشد. شما کافیست به فرهنگ های گوناگون برای یافتن معنای یک واژه سری بزنید: در فرهنگ فارسی معین، برای زبانی گفتن (تلفظ) هر واژه، نشانه هایی ویژه بکار رفته، که از نشانه های الفبایی لاتینی گرفته شده است. در "فرهنگ بزرگ سخن" نوشته دکتر حسن انوری نیز با همین دشواری روبرو میشوید.

در فرهنگ های سایر زبانهای زنده هم، چنین درد سری به چشم میخورد. همه جا برای بر زبان آوردن واژه ها، الفبای دیگری هم (الفبای فونتیک) برای شناخت الفبای زبان، ساخته شده است، که باز هم کار را آسان نمیکند. تو گویی، پیوند زبانی، بزرگترین تلاش را خواهان است.

مثلا زبان انگلیسی دارای بیست حرف با صدا (واکه) و بیست و چهار حرف بی صدا (همخوان) میباشد.

به واژه های زیر در زبان انگلیسی نگاه کنید :

City , busy , women , pretty , village

واکه های

I , Y , U , O , E

همه یک آوا را میسرسانند که آوای واکه ی

Sit

است.

یا در زبان فرانسه که در آن پی آمدی ی دو یا سه واکه برای رساندن یک آوا بسیار دیده میشود.

روشن است که ریشه اینگونه دشواریها، دگرگونیهای زبان و دیگر شدن آوایی ی برخی از واژه ها در راه گذار آن است.

به عقیده گروهی از زبان شناسان برترین الفبای کنونی جهان الفبای اندیشه نگار زبان چینی است. ولی این زبان خود فرهنگ دیگری است که ویژه همان مردم چین است و بس!

الفبای زبان ما (زبان فارسی) از الفبای عربی گرفته شده است، الفبایی که ویژه زبان عربی است. در اینجا باید گفته شود که الفبای زبان عربی نیازی برای درست خواندن ژ، به کمک الفبای دیگری (الفبای فونتیک) برای قرائت خود ندارد، زیرا دستورات این زبان که طی قرنهای راه تکامل را پیموده، چیستان بالا را گشوده است.

در قاموس های عربی خواندن واژه پیرو روشی است که زاده ساختار ریشگی زبان است و این ساختاربراستی منظومه ای صرفی و نحوی است که تمام واژه های نیازی ز لان فربی را در چهار چوب ها یا بچه دانه های ویژه ای جای داده است، چه در صرف افعال و بابهای مختلف ثلاثی و رباعی و غیر آن و چه در نامها که همه بر پایه سه حرف : "ف" و "ع" و "ل" و با افزودن یکی دو تا حرف یا نشانه دیگر جلو و دنبال حروف سه گانه بالا، روی گرفته اند.

مثلاً :

ف ع ل: افعال، تفاعل، افتعال، تفعیل، انفعال و غیره

و یا در رباعی ها : فعلل، تفعّل

یا در اسامی : فعّال

در فارسی برای هر آوا، بیشترین، یک نشانه ساختگی، یا پیش پذیره بکار میرود که همیشه هم بر زبان آوری (تلفظ) نشانه را نمیرساند و نیز دشواری دیگری جای دارد که گشایش آن به نزدیکی ناشدنی و یا کمترین دشوار است.

ما، در زبان خود به نشانه‌هایی نیاز داریم که نماینده چند حرف و آواهای گوناگونند و ناگزیریم بدون دلیل آنها را نگهداری کنیم و در نوشتن بکار ببریم.

برای مثال حروف [ز-ض-ذ-ظ] برای ما فارسی‌زبانها همشان بر زبان آور حرف زمیباشند :

[زهر- ضابط- ذلت- ظالم]

بقسمی که میتوان همه این واژه‌ها را بصورت زیر نمایش داد :

[زهر - ضابط - ذلت - ظالم].

برای حروف "ص" و "س" ما فقط حرف "س" را می‌توانیم تلفظ کنیم. برای حروف "ت" و "ط" ما فقط حرف "ت" را می‌توانیم بر زبان آوریم. پس الفبای ما دارای نشانه‌های بیش از نیازاست و این نشانه‌ها بیشتر مربوط به واژه‌های غیر فارسی است که بویژه از راه زبان عربی به زبان ما ریخته شده است. پس می‌بینیم که املاء زبان فارسی نه تنها آسان نیست، بلکه دشوار هم هست و بیشینه باید انسان معنای واژه را از پیش بداند تا بتواند آنرا درست بنویسد.

در الفبایی که ما درست کرده ایم کوشیده شده است که برای هریک از نشانه‌های امروزی استه در زبان فارسی، نشانه‌ای برگزیده از علایم لاتینی که وسیله رایج تکنیک و دانش زمان امروزی است هستی یابد.

هر چند این تلاش گره دشواری. زبانشناسی زبان و نگارش را باز نخواهد کردولی رفع فاسد به افسد هم نیست. اگر فرهنگ ما درعلم و تکنیک معا صر پیشرفت کرده بود بدون شک مردم کشورها ی دیگر از زبان و شدنی‌های آن بهره‌گیری میکردند. ولی ما ناگزیریم در رشته‌های علمی و فنی و نظامی و خیلی چیزهای دیگر دست آوردهای انسانهای پیشرفته را مورد بهره‌برداری قرار دهیم و نه تنها دستسازهای هزینه‌ای دیگر را.

واکه های فارسی بس ساده اند :

آ چو آب و ای چو ایشان او چو او آ چو آما اِ إذا اُ چون اُتو
اول هر واژه را همخوان بدان

ب بلا ب پارسا ت ترکمان
ث ثلاثی ج جواد و چ چنان
ح حماقت خ خريت د دهان
ذ چو ذمه یا چو ذلت ر روان
ز زمین ژ ژرف و ژرفا بی گمان
سین سماور سینه سنبل ساربان
شین چو شمسى صاد صامت ضاد ضيق
طا چو طاهر یا طهارت یا طریق
ظ چو ظلمت عین عینک غین غم
ف فضیلت قاف قاضی لاجرم
کاف کیوان گاف گرما یا گران
لام لال و میم مه یا مادیان
نون چو ناف آمد ولیکن واو وام
ها هزینه یا یگانه والسلام

جداول الفبای پیشنهادی

جدول معرفی الفبا

'	ع	A	ا
Gh	غ	B	ب
F	ف	P	پ
Q	ق	T	ت
K	ک	Cs	ث
G	گ	J	ج
L	ل	Ch	چ
M	م	Hh	ح
N	ن	X	خ
V	و	Kh	
H	ه	D	د
Y	ی	Dz	ذ
aa	آ	R	ر
U	او	Z	ز
i	ای	Jh	ژ
a	آ	S	س
E	إ	Sh	ش
		Sd	ص
o	أ	Zd	ض
Eiy	ئی	Th	ط
Ei	ء	Zh	ظ

آغاز واژه ها

abr	ابر	a	ا
aab	آب	aa	آ
ensaan	انسان	e	ا
omid	امید	o	ا
bad	بد	b	ب
pari	پری	p	پ
taar	تار	t	ت
csolcs	ثلث	cs	ث
jam	جم	j	ج
chaareh	چاره	ch	چ
hhasad	حسد	hh	ح
xam	خم	x	خ
dar	در	d	د
dzaat	ذات	dz	ذ
rahaa	رها	r	ر
zar	زر	z	ز
jharf	ژرف	jh	ژ
sar	سر	s	س
shahr	شهر	sh	ش
sdad	صد	sd	ص
zdabth	ضبط	zd	ض
thehran	طهران	th	ط
zhohr	ظهر	zh	ظ
'eshq	عشق	'	ع
ghobaar	غبار	gh	غ
fardaa	فردا	f	ف
qebleh	قبله	q	ق
kaaseh	کاسه	k	ک

garmaa	گرما	g	گ
laal	لال	l	ل
mihan	میہن	m	م
naan	نان	n	ن
vaali	والی	v	و
hamisheh	ہمیشہ	h	ہ
yaa hu	یا ہو	y	ی
aanhaaeiy	آنہائی	ei	ئی
inaan	اینان	i	ای
emlaaei,maseialeh	املاء، مسئلہ، مؤدب		
mociadab,taeidib	تأدیب، بنائی، امضاء		
bannaaeiy,emzdaaei		ei	ء
			واو غیر
xwaastan	خواستن	w	ملفوظ
owqaat	اوقات	ow	او
oureh	اورہ	ou	او
dur	دور	U	او

آغاز - وسط - آخر واژه ها

شروع	کلمه	وسط	کلمه	آخر	کلمه
آ	aa	آب	aab	باد	baad
ا	a	ابر	abr	نه	bar
إ	e	اقامت	eqaamat	برای	sebil
أ	o	امید	omid	سهل	por
ب	b	بر	bar	سراب	sdabr
پ	p	پر	par	توپ	separ
ت	t	تار	taar	دوات	setaareh
ث	cs	ثابت	csaabet	احداث	ecsbaat
ج	j	جویبار	juybaar	رواج	majles
چ	ch	چتر	chatr	پرچ	aachaar
ح	hh	حالت	hhaalat	ارواح	tahhvil
خ	X	خلقت	xelqat	رخ	axbaar
د	d	دبیر	dabir	مرد	modaaxeleh
ذ	dz	ذکر	dzekr	اتخاذ	madzhab
ر	r	رحیم	rahhim	اقرار	moratab
ز	z	زر	zar	راز	mazeh
ژ	jh	ژرف	jharf	دژ	mojhdeh
س	s	سراب	saraab	اساس	fesaad
ش	sh	شب	shab	تشویش	moshaahedeh

کلمه	آخر	کلمه	میان	کلمه	شروع	
exlaasd	اخلاص	mosaddeq	مصدق	sdabr	صبر	sd ص
marizd	مریض	mezdraab	مضراب	zdarbeh	ضربه	zd ض
extelaath	اختلاط	baathel	باطل	thaaher	طاهر	th ط
alfaazh	الفاظ	ezhhar	اظہار	zhohr	ظہر	zh ظ
ebdaa'	ابداع	mo'alleem	معلم	'omr	عمر	' ع
daagh	داغ	aghlab	اغلب	gharibeh	غریبہ	gh غ
motaraadef	مترادف	nafar	نفر	farsh	فرش	f ف
farq	فرق	moqaavemat	مقاومت	qalb	قلب	q ق
dark	درک	nokteh	نکتہ	ketaab	کتاب	k ک
marg	مرگ	ragbaar	رگبار	gol	گل	g گ
laal	لال	elzaam	الزام	lab	لب	l ل
laazem	لازم	amr	امر	mard	مرد	m م
naan	نان	manzel	منزل	nokteh	نکتہ	n ن
gaav	گاو	arvaahh	ارواح	vaadi	وادی	v و
maah	ماہ	mehr	مہر	haaleh	ہالہ	h ہ
ney	نی	aytaam	ایتام	yatim	یتیم	y ی
partow	پرتو	mowhum	موہوم	owqaat	اوقات	ow او